

# بحثی پیرامون خلیج فارس و توطئه برای تغییر نام آن

## خلیج فارس دست کم از ۲۲۰۰ سال قبل

### از هویت پارسی برخوردار بوده است

#### ماهان عابدین

آبراه کلیدی خلیج فارس همواره در تاریخ بشری نقش بی مانندی ایفا کرده است. سرهنگ دوم سر آرنولد ویلسون Sir Arnold Wilson افسر سابق ارتش بریتانیا و یکی از کارگزاران سیاست استعماری این کشور در شبه قاره هندوستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس در آثار ارزشمند تحقیقی خود به نام «خلیج فارس: یک تحقیق تاریخی از دوران باستانی تا آغاز قرن بیستم» که در سال ۱۹۲۸ به چاپ رسید، آبراه استراتژیک خلیج فارس را به این شکل تعبیر می کند: «هیچ آبراهی، چه در گذشته و چه در حال حاضر، برای زمین شناسان، باستان شناسان، تاریخ دانان، جغرافیا شناسان، بازرگانان، سیاستمداران و دانشجویان استراتژی از اهمیت بیشتری برخوردار نبوده است.» آبراهی که فلات ایران را از سرزمین عربستان جدا می سازد، دست کم از ۲۲۰۰ سال پیش از هویت «پارسی» برخوردار بوده است. دکتر فرهنگ مهر، تاریخ شناس و محقق نامدار ایرانی در کتاب: «میراث استعماری: منازعه بر سر سه جزیره»، هویت تاریخی خلیج فارس را سلسله وار تشریح می کند. بنابر تحقیقات دکتر فرهنگ مهر کلودیس پتلمیوس ریاضی دان و منجم قرن دوم پیش از میلاد از نخستین دانشمندان دوران باستانی بوده است که به آبراه واقع در جنوب فلات ایران لقب

«Persios sinus» که ترجمه اش «دریای پارس» می باشد، بخشیده است. در قرن اول میلادی کئنتس کرتیکس رفوس تاریخ دان بزرگ رومی، در آثار تاریخی خود پیوسته از لقب «Aquarius Persico» یا «دریای پارسی» استفاده نموده است.

تقریباً در همان ایام تاریخ دان یونانی فلیویوس آریانوس برای نخستین بار در تاریخ لقب «خلیج» را جهت هویت بخشیدن جغرافیایی به دریای واقع در جنوب فلات ایران بکار می گیرد. علاوه بر این آریانوس، طبق عادت و رسوم تمامی تاریخ دانان و دانشمندان متعلق به زمان خود، پیشوند «پارسی» را به لقب خلیج اضافه می کند و آن را همواره به مخاطبین خود بعنوان «Purscian Kscitus» یا خلیج پارسی معرفی می کند.

بعد از فتح ایران توسط مسلمانان، با وجود اینکه بسیاری از ارزشها و آثارهای علمی - هنری ایرانی به طور بی سابقه ای تحت تاراج قرار گرفتند، آبراه واقع در جنوب فلات ایران چون گذشته هویت «پارسی» خود را حفظ نمود. نکته جالبی که در انباشته های تاریخی به خاموشی سپرده شده است، این است که پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) شخصاً لقب «بحر فارسی» را بکار می گرفت. لازم به ذکر است که محققین و دانشمندان متعلق به دستگاه های حکومتی اموی، عباسی، عثمانی و صفوی همگی از یگانه لقب «بحر فارسی» و یا «خلیج فارسی» استفاده می کردند. نام خلیج فارس در نخستین دهه های قرن بیستم همواره نام حقوقی و پذیرفته شده محسوب می شد. جالب اینجاست که دستگاه جهانگیر استعماری انگلستان در شناسایی نام خلیج فارس در اقصی نقاط عالم، نقش قابل تأملی ایفا کرد. لازم به یادآوری است که سر آرنولد ویلسون، که یکی از کارگزاران پرنفوذ دستگاه استعماری انگلستان در شبه قاره هند و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس محسوب می شد، در یک اثر جاودانه تحقیقی، تاریخ سرشار از حادثه خلیج فارس را که به گفته خودش در شکل گیری جناح بندی های کلان سیاسی جهان قرن بیستم نقش بی مانندی داشته، به رشته تحریر درآورده است.

نام خلیج فارس تنها یک نام پذیرفته شده تاریخی محسوب نمی شود، بلکه از مبنای تثبیت شده حقوقی برخوردار می باشد. سازمان ملل متحد، که عالی ترین مرجع حقوقی بین المللی محسوب می شود، در دو مورد، منجمه مارچ سال ۱۹۷۱ و آگوست سال ۱۹۸۴، در جلسات رسمی، و با رأی ۲۲ کشور عربی، نام خلیج فارس را بعنوان تنها اسناد حقوقی آبراه واقع در جنوب فلات ایران، معرفی کرده است. بنابراین تمامی نهادهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد، منجمه واحد نقشه سازی این سازمان، خلیج فارس را یگانه نام مشروع و حقوقی قلمداد می کنند. اضافه بر این، همایش سالانه سازمان ملل متحد پیرامون هماهنگ سازی نامگذاری جغرافیائی، بطور مداوم بر اصالت «خلیج فارس» پافشاری کرده است.

#### تاریخچه جریان مخدوش سازی

برخلاف باور راسخ بسیاری از محققین و دوست داران خلیج فارس، نقطه آغازین مخدوش ساختن نام تاریخی - حقوقی این آبراه، قدمت

طولانی تری از آغاز حاکمیت جمال عبدالناصر دارد. نخستین زمزمه‌های تغییر نام خلیج فارس از طرف «سر چارلز بلگریو» نماینده انگلستان در بحرین در اوایل دهه ۱۹۳۰، ایراد شد. وزارتخانه‌های مستعمرات و امور خارجه انگلستان پیشنهادات بلگریو را رد نمودند، اما با ملی شدن صنایع نفت ایران، سیاستهای تفرقه‌انگیز بعضی از شخصیتها و نهادهای انگلیسی به طور وسیعتری مطرح گشت. نخستین سلسله تلاشهای پیوسته جهت تغییر دادن نام خلیج فارس، از سوی شرکت نفتی «British Petroleum» (که در آن زمان شرکت نفتی ایرانی - انگلیسی نام داشت)، انجام گرفت. انگیزه این شرکت در حقیقت انتقام جویی از دولت و ملت ایران به دلیل دستاوردهای درخشان نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران بود. اولین تلاش برای مشروع سازی نام جعلی خلیج عربی توسط رادریک اوئن «Roderick Owen» یک کارگزار دستگاه استعماری انگلستان در امارات، در سال ۱۹۵۲ انجام شد. اوئن این اختراع جعلی را، در کتاب «حباب طلایی خلیج عربی» بیان می کند. جالب اینجاست که اوئن، بعلاوه داشتن ارتباطات تنگاتنگ با سازمان اطلاعاتی خارجه انگلستان (MI۶)، یکی از سیاستگذاران پنهان شرکت نفتی ایرانی - انگلیسی نیز محسوب می شد. بنابراین نظریه مربوط به ارتباط نقطه آغازین اختراع نام جعلی خلیج عربی با عقب نشینی سیاستهای استعماری انگلستان در ایران، از اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار می باشد.

با به قدرت رسیدن حکومت ناسیونالیستی ناصر در مصر، امواجی از تبلیغات و دسیسه‌های ضدایرانی در منطقه رشد پیدا کرد. این یکی از دیرپاترین و خطرناکترین دسیسه‌ها آغاز فعالیت‌های انسجام یافته جهت تغییر نام تاریخی - حقوقی خلیج فارس بود. ناصر، به بهانه مقابله با سیاستهای رژیم شاهنشاهی ایران، فشارهای کلانی جهت تثبیت نام جعلی خلیج عربی بر حکام نیمه مستقل کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد می ساخت. در حقیقت تلاش ناصر این بود که با استفاده از پشتوانه مالی شیخ نشین‌های خلیج فارس نام جعلی خلیج عربی را در سطح جهانی بسط و تثبیت نماید. تلاشهای بی‌وقفه رژیم ناصری و سایر ناسیونالیستهای عرب، به ویژه اعراب بعث عراق و سوریه، متأسفانه ثمره‌های فراوانی برای سارقان فرهنگی به همراه داشت. در طول دهه‌های شصت و هفتاد نهادهای گوناگونی جهت پیشبرد برنامه‌های تبلیغاتی ناسیونالیستهای عرب، در شیخ نشینهای خلیج فارس شکل گرفتند. نکته جالب اینجاست که این نهادها با استفاده از پوشش و شهرت نسبتاً آبرومندانه واحدهای سیاسی - جغرافیائی نیمه مستقل حاشیه خلیج فارس، به برنامه‌های خطرناک و تفرقه‌انگیز نژادپرستان عرب مشروعیت بخشیدند. یکی از برنامه‌های محوری این نهادها، که اغلب در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی فعالیت می کردند ایجاد و برگزاری همایش‌ها و سمینارهای به ظاهر تحقیقی بود. معمولاً دانشمندان و کارشناسان حوزه‌های مختلف که به این جلسات (که به بهانه‌های مختلف، منجمله حراست از محیط زیست خلیج فارس و آشنایی آثار باستانی کشورهای مختلفه، تشکیل می شدند) دعوت می شدند، تحت فشار قرار می گرفتند تا نام جعلی خلیج عربی را در آثار خود بکار گیرند.

نمایندگان این نهادها مرموز و به ظاهر پژوهشی از شیوه‌های مختلف جهت خریداری نمودن دانشمندان و پژوهشگران غربی، استفاده می کردند. بی تردید یکی از کارآمدترین شیوه‌ها فراهم ساختن تسهیلات مالی برای این دانشمندان پرنفوذ بود. تأثیرات شوم این فعالیت‌های انسجام یافته در دهه هفتاد به طور چشمگیری بسط پیدا کرد. بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در اروپا و آمریکا، شرکت‌های بازرگانی (به ویژه شرکت‌هایی که در حوزه چاپ آثار سیاسی - جغرافیائی فعالیت می کردند) و حتی نهادهای رسمی دولتی، با نادیده گرفتن نام تاریخی - حقوقی خلیج فارس، از نام جعلی خلیج عربی بهره می جستند. بی تردید بزرگترین دستاورد دسیسه‌بازان و سارقان فرهنگی عرب، تأثیرگذاری بر شرکت بی‌بی‌سی «BBC» انگلستان که در آن زمان پرنفوذترین دستگاه مخابراتی و تبلیغاتی در عرصه جهانی محسوب می شد، بود. فشارهای مستمر خارجی بر این دستگاه که اتفاقاً مصادف بود با تمایلات «عرب‌پرستی» جمعی از دست اندرکاران ارشد بی‌بی‌سی منجر شد به اینکه این سازمان قدرتمند تبلیغاتی از استفاده از نام صحیح خلیج فارس امتناع ورزد و به جای آن از نام به اصطلاح بی طرفانه «خلیج» استقبال کند. این تصمیم گیری بی‌بی‌سی در اوایل دهه هفتاد تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه مطبوعاتی انگلستان برجای نهاد، تا آنجایی که در اواسط دهه هفتاد اکثر مطبوعات این کشور با استفاده از نام «خلیج» دریای واقع در جنوب فلات ایران را دچار بی هویتی ساختند.

### تأسیس «سازمان حراست از نام خلیج فارس»

فعالیت‌های انسجام یافته نژادپرستان دسیسه باز عرب، که اغلب با پوشش و حمایت دولتهای مختلف عربی همراه بود، برای مدت طولانی از جانب طرف ایرانی بی پاسخ ماند. متأسفانه هیچگونه تلاش مستمری جهت مقابله با توطئه بزرگی که علیه تاریخ و هویت خلیج فارس در طول این سالها در شرف تکوین بوده است، انجام نگرفت. این امر شامل نهادهای مستقل پژوهشی و بازرگانی ایرانی نیز می باشد، که برخلاف طرف عربی، هیچگونه اراده‌ای برای مداخله در این پیکار بزرگ ملی از خود نشان نداده‌اند.

تنها روزنه امید ناشی از اقدامات پراکنده افراد وطن پرست و وظیفه‌شناسی بوده است که با نامه نگاری و مراجعه حضوری، اعتراضات خود را به مؤسسات، نهادها و شرکت‌های متخلف ابراز داشته‌اند.

در سال ۱۹۹۸، با شکل گیری «سازمان حراست از نام خلیج فارس Persian Gulf Task Force» مدافعان هویت تاریخی - حقوقی دریای

واقع در جنوب فلات پهناور ایران، فرصت یافتند تا به طور انسجام یافته با متخلفین مقابله نمایند. در حال حاضر سازمان مذکور دارای صدها عضو فعال می باشد که در پنج قاره جهان مشغول به حراست از نام خلیج فارس می باشند. سازمان مذکور از بدو پیدایش تحت مدیریت آقایان علا، فخارزاده و دست افشان بوده است.

سازمان حراست از نام خلیج فارس از شیوه های متفاوتی برای برخورد با متخلفین استفاده می کند. یکی از رایج ترین شیوه ها نامه نگاری به نهادها و شرکت های متخلف می باشد. این نامه ها، اغلب از پشتوانه مدارک تاریخی و حقوقی بهره مند می باشند. به طور مثال موضع گیری های سازمان ملل متحد و پافشاری های نهادهای گوناگون حقوقی - جغرافیایی بین المللی بر اصالت نام خلیج فارس، که در مدارک بی شمار مکتوب می باشند، برای متخلفین ارسال می شود. تا بحال سازمان موفقیت های چشمگیری در برخورد با متخلفین داشته است، تا آنجایی که توانسته با ارائه روشنگری های تاریخی و حقوقی، مواضع بسیاری از نهادها و شرکت های متخلف را دچار دگرگونی سازد. متأسفانه بعضی از متخلفین، که عمدتاً شرکت های بزرگ با دارای منافع کثیر در کشورهای عربی می باشند، با اینکه اقدامات روشنگرانه سازمان را مورد تحسین قرار می دهند، هیچ اقدامی جهت تصحیح موضع غیرقانونی و غیراخلاقی خود انجام نمی دهند. فهرست ذیل شامل بخش کوچکی از این متخلفین می باشد:

Asian Soccer

British Airways

Harpercollins Publisher

Hyatt Hotel

Plutts

Reuters News

Simpsons Spencer and Viking

Worth Association (London New York)

از آنجایی که انگلستان مهد اصلی جریان تغییر نام خلیج فارس بوده است و هم اکنون بسیاری از متخلفین پرنفوذ، شرکتها و نهادهای بریتانیایی می باشند، سازمان بسیاری از فعالیتهای خود را معطوف مقابله با نهادهای رسمی و غیررسمی انگلیسی، ساخته است. بی تردید بزرگترین دستاورد سازمان مجبور ساختن دولت بریتانیا به اعتراض تلویحی مبنی بر وجود اختلافات میان موضع رسمی دولت انگلستان در قبال نام تاریخی - حقوقی خلیج فارس و عملی ساختن این موضوع می باشد. به هر حال در نامه ای رسمی، که توسط آقای بن بردشو معاون پارلمانی وزارت امور خارجه انگلستان در تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۰۱ امضاء شده، دولت انگلستان علناً اقرار کرده است که بنابر پیشنهادات کارشناسی «کمیته دائمی جغرافیائی» نام دریای میان ایران و عربستان را «خلیج فارس» می شناسد. این نامه در پاسخ به اعتراضهای مستمر یکی از فعالین سازمان می باشد و به نماینده پارلمان منطقه ای که این عضو در آن ساکن می باشد ارسال شده است.

در حال حاضر پیکار با بی.بی.سی و سایر مطبوعات انگلستان جهت وادار نمودن آنان به بکارگیری نام صحیح خلیج فارس، یکی از اهداف مهم سازمان قلمداد میشود. در ماه های اخیر هزاران نامه اعتراض آمیز و ده ها مراجعه حضوری از طرف عضوهای فعال سازمان به سوی بی.بی.سی روانه شده است و متأسفانه طرف انگلیسی با نادیده گرفتن تمام مدارک تاریخی و حقوقی و موازین اخلاقی، بر موضع بی پایه و غیرمنطقی خود پافشاری می کند.

در پایان لازم به ذکر می باشد که «سازمان حراست از نام خلیج فارس» دارای ارتباطات تنگاتنگی با سایر نهادهای فرهنگی ایرانی می باشد.